این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

سبوی دوست

شوهرداری فقط انداختن تشکچه برای آقا نیست!

رهبر معظم انقلاب (۱۳۷۷/۲/۷):

یک وقت انسان فکر می‌کند که شوهرداری؛ یعنی انسان در آشپزخانه غذا بپزد، اتاق را تر و تمیز و پتو را پهن کند و مثل قدیمی‌ها تشکچه بگذارد که آقا از اداره یا از دکان بیاید! شوهرداری که فقط این نیست. شما ببینید شوهرداری فاطمه(س) چگونه بود. در طول ۱۰ سالی که پیامبر در مدینه حضور داشت، حدود ۹ سالش حضرت زهرا و علی با همدیگر زن و شوهر بودند.

در این ۹ سال، جنگ‌های کوچک و بزرگی ذکر کردند، حدود ۶۰ جنگ اتفاق افتاده که در اغلب آنها هم امیرالمؤمنین بوده. حالا شما ببینید، او خانمی است که در خانه نشسته و شوهرش مرتب در جبهه است و اگر در جبهه نباشد، جبهه لنگ می‌ماند، از لحاظ زندگی هم وضع روبه‌راهی ندارند؛ در حالی که دختر رهبری هم هست، دختر پیامبر هم هست، یک نوع احساس مسئولیت هم می‌کند.

حالا شما بگویید امام حسن و امام حسین، امام بودند و طینت امامت داشتند؛ زینب که امام نبود. فاطمه او را در همین مدت ۹ سال تربیت کرده بود. اینطور خانه‌داری، اینطور شوهرداری و اینطور کدبانویی کرد. آیا اینها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مُشرف به خانه‌داری الگو باشد؟

منبع: کانال تلگرامی «تبیان»

انتقال مسالمت‌آمیز قدرت!

به گزارش کانال تلگرامی «دکترسلام»، کوین بارون، خبرنگار نشریه دیفنس وان، در حساب توئیتری خود با انتشار عکس گوگل مپ از نقشه اعمال منع تردد در شهر واشنگتن به کنایه نوشت: «انتقال مسالمت‌آمیز قدرت!» در این عکس تمامی خیابان‌های منتهی به ساختمان کنگره با علامت ورود ممنوع مشخص شده‌اند.

به حرف‌ها عمل کنید

محمد پاداش در توئیتی نوشت: به نقل از رئیس پلیس تهران تیتر زده «سگ‌گردانی در پارک‌ها کلاً ممنوع است» این خبر چند سال است به صورت نوبه‌ای در رسانه‌ها کار می‌شود. یا یک چیزی را اعلام نکنید، یا اگر اعلام می‌کنید، به آن عمل کنید و با خاطیان برخورد قهری کنید. اینکه فقط ماشین تولید حرف باشیم، برای پلیس خوب نیست!

شما متخصصید؟!

فرید ابراهیمی در توئیتی نوشت: رهبر مملکت که قبلاً هشت سال هم رئیس‌جمهور بوده و بر همه امور اجرایی کشور اشراف داره اگر درباره واردات واکسن حرف بزنه، غیرتخصصیه، اما حجاریان و زیباکلام و عبدی که سر جمع تا حالا یه بخشداری رو اداره نکردن، فوق‌تخصص کرونا و واکسن و زایمان و بورس و ارز و موشک و مرغ و غاز و پشمک هستن!

بایدن، ورژن ۲۰۱۰ اوباماست!

کامبیز زاهدپور در توئیتی نوشت: بایدن، ورژن ۲۰۲۱ اوباماست با همان رویکرد، همان تحریم‌ها، همان تیم و همان راهبرد. روی حرف‌های بدون عمل، حساب باز نکنیم... منافع کشور را در اولویت قرار دهیم و بدون اقدام متقابل امریکایی‌ها، قدم از قدم برنداریم.

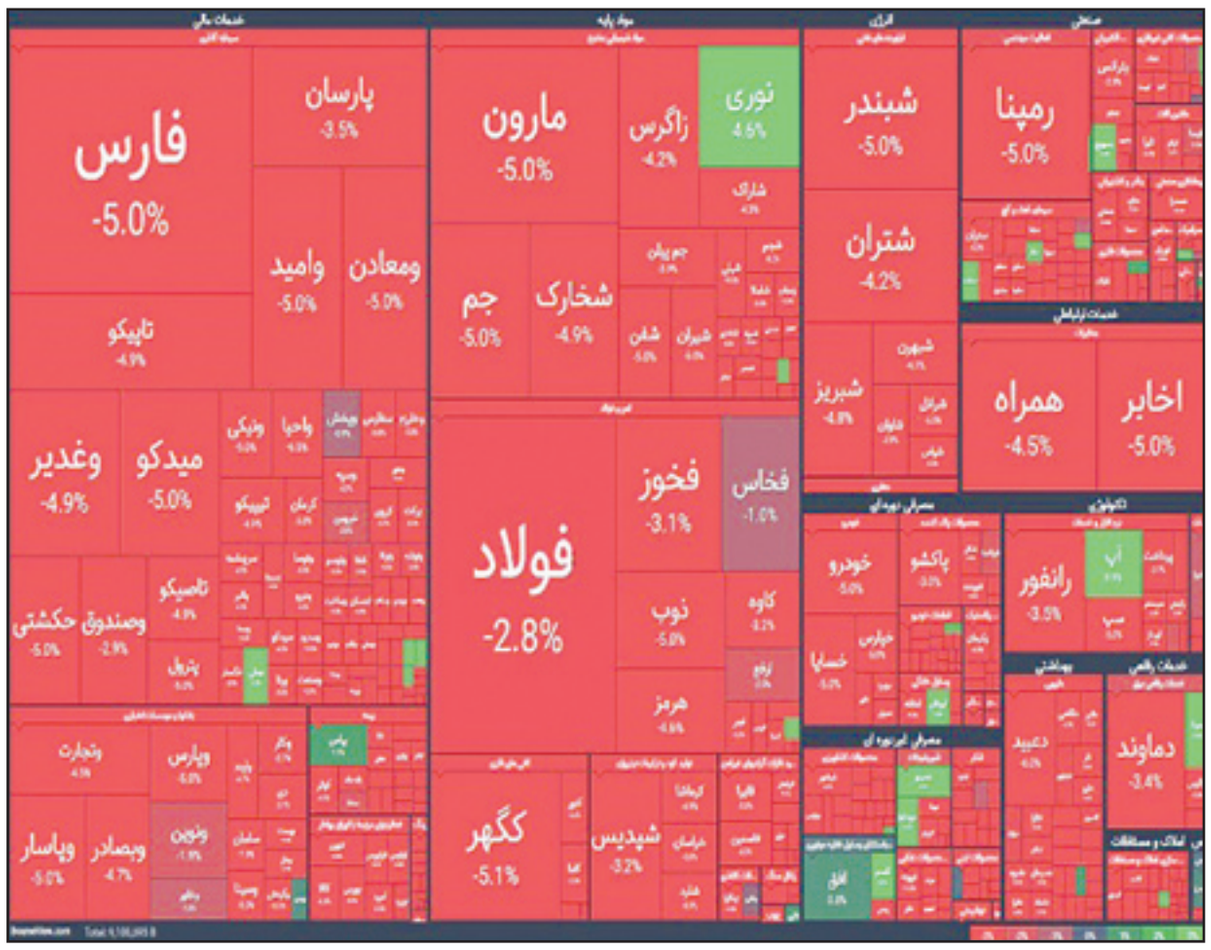

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به قرمز شدن تابلوی بازار بورس برای ماه‌های متوالی

پنبه را برای شنیدن صدای سهامداران از گوش درآورید

با ریزش‌های متوالی شاخص بازار بورس در ماه‌های متوالی و به‌ویژه روزهای اخیر صدای بسیاری از سهامداران در آمده است. سهامداران علاوه بر تجمع در برابر سازمان بورس، در شبکه‌های اجتماعی نیز اعتراض خود را بیان می‌کنند. آنها با وجود اذعان به نوسان‌ها و سودها و ضررها در بورس معتقدند دولت نباید پس از دعوت گسترده مردم به بورس با تصمیمات اشتباه زمینه ریزش سرمایه‌های خرد مردم را فراهم کند. تغییر نرخ سودهای سپرده بانکی از جمله تصمیماتی است که کاربران معتقدند به اشتباه گرفته شد. کاربران خواهان آن هستند تا نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی هر چه سریع‌تر به این مسئله رسیدگی کرده و در صورت پذیرفتن اشتباه آن را اصلاح کنند. آنچه در ادامه می‌خوانید بخشی از واکنش‌های کاربران در این خصوص است.

■ **هادی سبحانیان:**
بازار بورس در ذات خود نوسان و سود و زیان دارد، بنابراین فراخوان عمومی دولت برای ورود عموم مردم به بازار بورس در روزهای اوج بازار، اقدام غیرمسئولانه‌ای بود که بارها توسط کارشناسان مستقل تذکر داده شد، اما توجهی به آن نشد.

■ **محسن رضایی:**
آقای روحانی در پاسخ به نگرانی اقتصاددان‌ها گفته بود «پنبه در گوش» خود بگذارید که خبرهای مثبت بورس ما را نشنوید! ظاهراً خود نیز چنین کرده است. یک مسلمان، پنبه را از گوش رئیس‌جمهور درآورد که صدای مردم ستمدیده را بشنود!

■ **علی قلهکی:**
بورس، بهترین «کارخانه ناراضی‌سازی» این روزهاست! وزیر اقتصاد با تصمیمات فاجعه‌بار از مرداد ۹۹ تا همین امروز، بورس را سرخ کرده. سقوط بورس فارغ از احتمال طغیان مالباختگان، بی‌تفاوتی مردم نسبت به انتخابات ۱۴۰۰ را هم در پی دارد. هنوز از واکنش جدی رئیس مجلس نسبت به دژپسند خبری نداریم!

■ **مصطفی:**
خسارتی که بورس (بخوانید دولت) به اعتماد مردم نسبت به نظام زد در تاریخ انقلاب بی‌سابقه است. خداوند رحم کند!

■ **علی‌اکبر رائفی‌پور:**
جناب آقای دکتر حسن روحانی! رئیس‌جمهور محترم! آنچه در حال سوختن است سرمایه مردمی نیست که با دعوت شما دار و ندارشان را به بورس آوردند! آبرو و حیثیت نظامی است که برای جلب اعتماد مردم به آن بیش از ۲۳۰ هزار خون پاک شهید ریخته شده است...

■ **سیده‌زهرا حسینی:**
پس از انبوه پیامک‌های اعتراضی مردم درباره ریزش بورس، نمایندگان مجلس درصدد هستند چنانچه وزیر اقتصاد ظرف یک هفته آینده نسبت به شفاف‌سازی و تعیین تکلیف بورس اقدام نکند، از ابزارهای نظارتی همچون شکایت در قالب ماده ۲۳۴ و تحقیق و تفحص، موضوع را مورد پیگیری قرار دهند.

■ **احسان‌بخش:**
شلوغی‌ها برای بورس با بی‌کفایتی دولت در حال گسترش است! اوضاع را به‌گونه‌ای خراب کردند که استارتی شبیه آنچه در مورد بنزین رخ داد، نیاز دارد تا منفجر شود! مراقب گازوئیل یا هر اتفاق شبیه آن باشید. مردم بابت مشکلات اقتصادی و مسئله کرونا از دولت به شدت ناراضی هستند.

■ **احسان عسکری:**
وزیر اقتصاد و رئیس سازمان بورس به کمیسیون اقتصادی مجلس احضار شده‌اند تا پاسخگوی تصمیمات یا ترک فعل خود در حوزه مدیریت بازار سرمایه باشند. بورس نباید حیاط‌خلوت خطای مدیران دولتی شود و حتی در مقابل مردم، مسئولیت تصمیمات علنی و غیرعلنی خود را هم با فرافکنی نپذیرند.

■ **رضا کربلایی:**
درباره سقوط بورس نه فحش می‌دهم، نه دنبال مقصرتراشی هستم. زیانی که متحمل شده‌ام را هزینه بیشتر دانستن می‌دانم و یاد جمله پدر که همواره معتقد است با طناب دولت برای برداشت سطل آب داخل چاه مشوا می‌افتم. نمی‌شود انتظار داشت همه سیاست‌ها در خدمت رشد بورس باشد، بلکه به تعمیق بورس محتاجیم.

■ **نوید سیدی:**
اگر اعتراضی هم هست به سیاست‌های نوسانی بانک مرکزی باید باشد، نه سازمان بورس. پایین کشیدن نرخ بهره در پنج ماهه اول سال تا حدود ۸ درصد و بعد رشد آن تا حدود ۲۱ درصد عامل اصلی در ایجاد حباب و بعد ریزش بود. سیاست غلط بانک مرکزی در بالا نگه داشتن نرخ بهره ضربه به کلیت اقتصاد و تولید است.

تحلیل

کارنامه سروش در ۷۵ سالگی

دکتر پرویز امینی طی یادداشتی در کانال تلگرامی خود نوشت: گفتار تازه عبدالکریم سروش درباره رابطه دین و قدرت، پس از رؤیای رسولانه، بسط تجربه نبوی و قبض و بسط تئوریک شریعت، چهارمین بزنگاه معرفتی او در سه دهه گذشته است. سروش از قبض و بسط در سال ۶۷ تا گفتار چهارمش در سال ۹۹، تغییراتی کرده که در محورهای زیر قابل جمع‌بندی است:

■ **تحول در دعاوی**
مسئله سروش در قبض و بسط، معرفت‌شناسانه و تفکیک دین از معرفت دینی و بشری دانستن معرفت دینی نسبت به خود دین که منشا الهی و غیربشری دارد، است. سروش سیر تحول معرفت دینی را در داد و ستد با سایر معارف بشری علی‌الخصوص معرفت علمی بیان می‌کند و هم و غم خود را بر اصلاح و به تعبیر خود، عصری کردن معرفت دینی می‌داند، اما به تدریج در بسط تجربه دینی، اصل خود دین را نیز بشری می‌داند و تجربه نبوی را بر همین اساس قابل بسط می‌داند. در رؤیای رسولانه با تأکید بر اینکه قرآن، کلام محمد است و نه خدا، جایگاه مهم‌ترین تکست دینی یعنی قرآن را متزلزل و در گفتار چهارمش یعنی دین و قدرت، تکوین اسلام و گسترش اجتماعی اسلام را به لحاظ اخلاقی و هنجاری، متکی به قدرت‌طلبی، خشونت و اقتدارگرایی پیامبر، مخدوش می‌کند. در واقع سروش همچنان که در توصیف و تحلیل از معرفت دینی به خود دین تأکید می‌کند، در نسخه تجویزی خود نیز به جای اصلاح معرفت دینی به اصلاح خود دین می‌رسد.

■ **تحول در اندیشه‌ورزی**
سروش در این چهار گام اندیشه‌ورزی خود در کنار رادیکال کردن مدعا از معرفت دینی به خود دین، نظام استدلال ورزی‌اش، قوی‌تر نشده است که به مراتب غیرقابل‌دفاع‌تر شده و توانایی توجیهی پایین‌تری پیدا کرده است. گفتار تازه او درباره رابطه دین و قدرت، به لحاظ انسجام در گزاره‌ها و صورت‌بندی درست ادعا و دلایل، به لحاظ روش‌شناختی (ادعای پدیدارشناختی)، به لحاظ دقت مفهومی (ناتوانی در تفکیک اقتدار که معنای مثبت و اقتدارگرایی که معنای منفی دارد)، به لحاظ احاطه پژوهشی بر کارهای انجام شده (بدون هیچ ارجاع و رفرنسی به کارهای پژوهشی)، به لحاظ مواجهه روش‌مند با متون و تاریخ (برخورد گزینشی، تکیه به روایات ضعیف و مصادره به مطلوب حوادث تاریخی) و نیز به لحاظ تناقض‌های درونی، به خوبی این ضعف مدلل کردن دعاوی سروش را نشان می‌دهد. به شکلی که نه‌تنها از جرگه مخالفان کلاسیک خود کم نکرده، بلکه هواداران سابق بسیاری را به مخالفان خود تبدیل کرده است که برخی از آنها حتی در ادبیات و نحوه مواجهه با سروش، تیز و تند و گزنده شده‌اند.

■ **تحول در تأثیرگذاری**
پایگاه هواداران و موافقان و مخالفان سروش نیز در این چهار گام تغییر کرده است. اینک مهم‌ترین مخالفان او هواداران سابق هستند که به چهار دلیل از او جدا شده‌اند:
اول؛ دعاوی رادیکال او درباره قرآن و پیامبر پیامدهایی مانند اصلاح خود دین را در پی دارد که با شهودات جمعی دینی آنها سازگار نیست و نمی‌توانند به لوازمش تن بدهند.
دوم؛ تضعیف شدن استدلال‌ها و سازمان توجیه سروش با وجود رادیکال کردن ادعاهاست که نمی‌تواند هواداران سابق را قانع کند.
سوم؛ تحول مثبت در بنیه عاملان و حاملان ایرانی علوم انسانی در داخل و خارج و دسترسی به متون اصلی فکری و فلسفی و آخرین فرآورده‌های طیف وسیعی از متفکران غربی و غیرغربی است که وضعیت متفاوتی در مخاطبان سروش نسبت به قبض و بسط در سال ۶۷ ایجاد کرده است و سروش با همان دست فرمان فکری، به قول معروف نمی‌تواند قاپ مخاطبان خود را به چنگ بیاورد.
چهارم؛ فرو افتادن مرجعیت‌های سابق فکر و اندیشه در ایران، چه دینی و چه سکولار، خصوصاً بر اثر عامل سوم که از اواخر دهه ۷۰ شمسی آغاز شده و سروش نیز از آن مستثناء نبوده است، میدان تأثیرگذاری او را کاسته و سخن سروش به این اعتنا که سخن سروش است، نمی‌تواند چونان گذشته مخاطب امروز و هواداران سابق را مجاب کند.
هنوز از نظر همگرایی با شهودات دینی پایگاه اجتماعی روشنفکری دینی، قوت سازمان استدلال و نیز کمیت و کیفیت تأثیرگذاری اجتماعی و سیاسی، قبض و بسط تئوریک شریعت، بهترین کار اندیشه‌ورزانه سروش است و دین و قدرت، سه دهه بعد از قبض و بسط، نه‌تنها رو به جلو نیست، بلکه علامت پسرفت یا شاید نمایش سکانس پایانی حیات فکری و تأثیرات اجتماعی و سیاسی سروش است.

اهل درایت باشیم نه روایت!

کانال تلگرامی «حضرت آیت‌الله العظمی جوادی آملی (مدظله العالی)» در عکس نوشتی با استناد به سخنان معظم‌له در درس اخلاق مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۲۸ نوشت: اگر چیزی را یاد گرفتیم، درست یاد بگیریم، اهل استدلال باشیم. اهل درایت باشیم نه روایت! خودمان مهندس ساختمان باشیم نه ساخته دیگری را تعریف کنیم! این قدم اول است. بعد از اینکه خودمان مهندس شدیم نه گزارشگر بنای دیگران، برابر آن عمل بکنیم. این قدم دوم است و قدم سوم این است که این علم و عمل را نردبان قرار بدهیم برای رسیدن به عقل که همه نیروهای مزاحم را عقال کند.

انتصاب قبیله‌ای به جای شایسته‌سالاری سرآغاز فساد

علی رجبی در توئیتی نوشت: مدیرکل سابق گردشگری آذربایجان‌شرقی دستگیر شد! مدیرعامل پتروشیمی رازی ماهشهر دستگیر شد! مدیر اجتماعی استانداری مرکزی دستگیر شد! مدیرعامل فرودگاه آبادان دستگیر شد! شهردار منطقه ۲ و ۸ دستگیر شد! شهردار ارومیه دستگیر شد! دستگیر شد! آقای رئیسی. مسئولان طاقتش رو ندارند. یواش‌تر برادر!
سینا کلهر، استاد دانشگاه، با ریتوئیت کردن توئیت رجبی نوشته است: نظام اداری کشور مهم‌ترین ابزار حکمرانی است. هر جایی در انتصاب‌ها به جای شایستگی، اصل بر هم حزبی بودن و هم قبیله‌ای بودن قرار گرفته، سرانجام کار اختلاس، دستگیری و اعدام مدیران بوده است. اصولگرا، اصلاح‌طلب و بهاری هم ندارد، همه سابقه دارند!

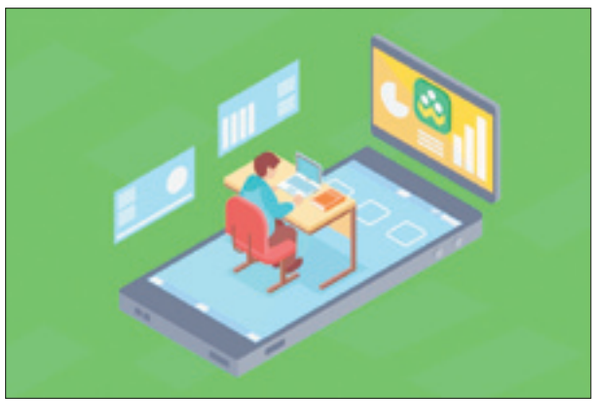

نیمه خالی آموزش مجازی

دکتر مهدی حمزه‌پور در صفحه اینستاگرام خود نوشت: شرایط عجیب و درس‌آموز پدیده تلخ و شیرین کرونا ابعاد بسیار گسترده‌ای دارد و روزانه حوادث مثبت و منفی بی‌شماری را رقم می‌زند. بی‌شک یکی از آثار تلخ و شیرین آن در حوزه آموزش در همه مقاطع بوده است. به عنوان کسی که در طول روز، در این روزها، بیش از دو سوم روز را به نحوی با آموزش و پژوهش مجازی سروکار دارم، باید عرض کنم که رفته‌رفته همه دستاوردهای مثبت و صرفه‌جویی‌های مربوط به هزینه حمل‌ونقل و سهولت دسترسی به آموزش‌ها، تحت‌الشعاع آثار مخرب روانی شامل افسردگی، عدم تأمین نیازهای اجتماعی و تعلق به گروه و تیم و از خودبیگانگی و به دنبال آن کاهش سطح یادگیری و یاددهی عمیق قرار گرفته و می‌گیرد. بحث نظارت و سنجش کیفیت خدمات آموزشی هم که خود داستانی دیگر دارد. به نظر می‌رسد که باید هرچه سریع‌تر راهی اعتدالی را برگزینیم؛ چراکه مجازی‌سازی بیش از حد امور، لطمات غیرقابل جبران روانی، عاطفی، خانوادگی، امنیتی و اجتماعی را به دنبال خود بر جای گذاشته است. اصل بر آموزش و تربیت و پرورش حضوری است و آموزش‌های مجازی به‌عنوان آموزشی بسیار خوب، ولی مکمل، برای آموزش‌های حضوری است. غفلت نکنیم دارد خیلی دیر می‌شود.

علوم انسانی زیر ضربات و شانتاژهای رسانه‌ای

حسن انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: درباره آسیب‌شناسی فضای مجازی بسیار گفته‌اند و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم. یکی از آسیب‌های آن به نظرم در فضای روشنفکری و نظری ایجاد توهم عالم بودن و صاحب «سخن» بودن است. تا قبل از عصر رسانه‌های اجتماعی انتشار یک مطلب حتی در یک روزنامه دست چندم کار ساده‌ای نبود. اما الان به لطف رسانه‌های اجتماعی هر کسی می‌تواند از حق اظهارنظر برخوردار باشد. این البته جنبه مثبت وجود چنین رسانه‌هایی است. منتها مشکل آنجاست که کارکرد رسانه‌های اجتماعی هنوز کاملاً مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.
مثلاً اینکه در سیاست و اجتماع و دین و فرهنگ و علوم هر کدام چه راه‌هایی وجود دارد که بتوان با آنها میان اظهارنظرهای با پشتوانه و بدون پشتوانه علمی تشخیص داد و تمایز برقرار کرد؟ رسانه‌های اجتماعی در چه حیطه‌هایی می‌تواند بستری برای گفت‌وشنود باشد و در کجاها نیازمند حفظ حدود شناخت علمی و تخصصی هستیم؟ اظهارنظر چه کسانی را باید در رسانه‌های اجتماعی و در چه موضوعاتی مورد توجه قرار دهیم؟ مسلم است که موضوعات بسیاری در اجتماع و سیاست است که می‌تواند عرصه اظهارنظر و رایزنی عمومی باشد و اساساً تنها در پرتوی خردی جمعی می‌توان درباره آن به بحث و بررسی و روشنگری پرداخت.
اما موضوعات علمی چطور؟ جایگاه تخصص چیست؟ سهم «جامعه علمی» در هر رشته‌ای چیست؟ آیا پسندیده است در عرصه رسانه‌های اجتماعی بحث‌های علمی و تخصصی را دامن زد؟ اگر این بحث‌ها مطرح می‌شود چه راه‌هایی وجود دارد تا مانع از سیطره عوام‌گرایی و شانتاژهای رسانه‌ای بر بحث‌های علمی شویم؟ چه راهی وجود دارد که علم و تخصص را از سیاست‌زدگی یا غلبه موج‌های زمانه برحذر داریم؟ چطور می‌توان از علم در برابر موج‌های رسانه‌ای حفاظت کرد؟ به نظرم یک راهش این است: در مباحث علمی و آکادمیک ملاک‌های متناسب با «جامعه علمی» هر رشته‌ای را حتی در رسانه‌های اجتماعی محترم شماریم. مثلاً از کسی که حتی یک کتاب، سهل است یک مقاله آکادمیک در موضوعی علمی که در رسانه‌ای اجتماعی از آن سخن می‌گوید منتشر نکرده و از طرق معمول تخصص و دانش خود را به محک داوری نگذاشته سخنی یا بهتر بگویم اظهارنظر مهمی را در رسانه‌های اجتماعی نپذیریم. در غیر این صورت علم و به‌ویژه علوم انسانی در زیر ضربات و شانتاژهای رسانه‌ای له خواهد شد و اسیر موج‌های رسانه‌ای و «نکته‌پرانی»های مجازی خواهد گردید؛ نکته‌پرانی‌های کسانی که سرمایه‌ای علمی جز همین «مداخله»های مجازی ندارند....